

فهمی جدعان و منظومه فکری او

۱۹۵-۲۱۵

چکیده: فهمی جدعان نواندیشی معاصر که فضای علمی جهان اسلام و غرب را تجربه کرده است. تالیفات بسیار او بیانگر منظومه فکری است که بر نواندیشی روشی و معرفتی مبتنی بر عقلانیت و روش تاویلی تکیه دارد. نگرش او در بازنگری میراث، به کارگیری روش عقلانی فراگیر و تکیه بر عدالت و لیبرالیسم اجتماعی نمودار است. او ضمن تاریخی دانستن میراث، به کارگیری روش تاویلی مبتنی بر عقل در بازخوانی و تاویل متن وحیانی را تنها راه متناسب با الزامات زمان میدانند. جدعان با نقد نظامهای فکری تک بعدی معاصر همچون اسلام گرایی، علمانیت و لیبرالی، از روش عقلانی چند بعدی سخن میگویند که به جهان حاضر و میراث توجه دارد و بر پایه آن عدالت همراه با مصلحت اسلام حقیقی در کنار عقلانیت سکولاریزم و آزادی لیبرالیسم، همه با هم میتوانند موجب پیشرفت جهان اسلام شوند. از دید جدعان اسلام دینی بر محور عدالت و آزادی است و اسلام سیاسی نگرشی بدعت گونه است. جدعان با همه تلاشهایش به عنوان یک محقق، گاه از نگاه علمی و واقع نگردور شده است. ساختار نظری اندیشه او علی رغم هماهنگی درونی، در عمل دچار تناقضاتی لاینحل است. عقلگرایی او مبتنی بر جامعه غربی و بی توجه به عدم پشتوانه عقل گرایانه در فرهنگ عربی است.

کلید واژه: فهمی جدعان، نواندیشی، منظومه فکری، میراث، روش عقلانی، لیبرالیسم اجتماعی

Fahmī Jad'ān and his Intellectual System

Narges Beheshti

Abstract: Fahmī Jad'ān is a contemporary modernist who has experienced the scientific atmosphere of the Islamic world and the West. Many of his writings express a system of thought that relies on methodological and epistemological modernity based on rationality and interpretive method. His approach to reviewing the heritage is to use the comprehensive rational method and rely on justice and social liberalism. While considering heritage as historical, he considers the use of the reason-based interpretive method in reading and interpreting the revealed text as the only way to meet the requirements of the time. Criticizing contemporary one-dimensional thought systems such as Islamism, secularism, liberalism, Jad'ān suggests the multidimensional rational method, which focuses on the present world and heritage, and argues that justice of true Islam, along with the rationality of secularism alongside the freedom of liberalism can advance the Islamic world. According to Jad'ān, Islam is a religion based on justice and freedom, and political Islam is a heretical view. Despite all his efforts as a researcher, Jadaan has sometimes strayed from the scientific and realistic perspective. The theoretical structure of his thought, despite its internal harmony, in practice suffers from unresolved contradictions. His rationalism is based on Western society and ignores the lack of rational support in Arabic culture.

Keyword: Fahmī Jad'ān, Modern Thinking, Thought System, Heritage, Rational Method, Social Liberalism

فهمني جدعان ومنظومته الفكرية
نرجس بهشتي

الخلاصة: فهمني جدعان هو أحد المجددين المعاصرين الذين خبروا الأجواء العلميّة في كلا العالمين الإسلامي والغربي. وما صدره من المؤلفات الكثيرة يؤشّر ملامح منظومته الفكرية المستندة على التجدّد الفكريّ المنهجي والمعرفي المبني على العقلانية والمنهج التأويلي.

ويتميّز نهجه في إعادة قراءة التراث باتّباع الأسلوب العقلاني المنفتح المستند على العدالة والليبرالية الاجتماعية. وانطلاقاً من اعتباره التراث أمراً تاريخياً يرى هذا المفكّر أنّ اتباع المنهج التأويلي المستند على العقل في إعادة قراءة نصوص الوحي وتاويلها هو الأسلوب الوحيد المنسجم مع مقتضيات العصر. ومن خلال نقده للأنظمة الفكرية ضيقة الأفق المعاصرة كالإتجاه الإسلامي والعلمانيّة والليبراليّة، يتحدّث جدعان عن الأسلوب العقلاني ذو الأفاق الواسعة الذي يراعي مقتضيات العالم المعاصر والتراث في آن واحد، والذي على أساسه تقف العدالة مقترنة بمصلحة الإسلام الواقعي الذي يرافق العقلانيّة العلمانيّة إلى جانب حرّيّة الليبراليّة، والتي يوقّر اجتماع بعضها إلى جانب البعض الآخر مستلزماً تطوّر العالم الإسلامي.

ويرى جدعان أنّ الإسلام هو ديدنٌ محوره العدالة والحرّيّة، وأنّ الإسلام السياسي هو تصوّر ينتمي إلى البدعة.

ومع كلّ ما يبذله جدعان باعتباره محقّقاً، إلّا أنّه يبتعد أحياناً عن الرؤية العلميّة والواقعيّة. ورغم ما يمتاز به البنيان النظري لفكره من الانسجام الداخلي لكثّة من الناحية العمليّة يجابه عدداً من التناقضات التي تستعصي على الحلّ. وأمّا عقلانيّته فهي مبنيّة على أساس متبنيات المجتمع الغربي دون الالتفات إلى عدم مساندة الإتجاه العقلي في الثقافة العربيّة.

المفردات الأساسيّة: فهمني جدعان، التجديد الفكري، المنظومة الفكرية، التراث، الأسلوب العقلاني، الليبرالية الاجتماعية.

مقدمه مترجم

فهمی جدعان متفکری نواندیش با دغدغه‌های دینی است که حجم کتب و مقالات او از تلاش و پیگیری او در این راه خبر می‌دهد. او که دهه هشتم زندگی خود را سپری کرده است و سال‌هاست در این حوزه قلم می‌زند، در جامعه علمی ایران چندان شناخته شده نیست.

در میان آثاری که درباره او به زبان فارسی نوشته شده است، می‌توان به مقاله دکتر حسن اسلامی به نام «متافیزیک پیشرفت در جهان عرب» اشاره کرد که در سال ۸۹ منتشر شده است و در آن تلاش می‌کند درون‌مایه کتاب *أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث* را برای خوانندگان بیان کند و به خوبی از عهده برآمده است.

از دیگر تلاش‌ها برای معرفی فهمی جدعان به مخاطب فارسی مقاله‌ای است که در جلد ۱۸ مجموعه اندیشه سیاسی متفکران مسلمان آمده است. این مقاله را اصغر صادقی یکتا و مریم هیشم محفوظ به سامان رسانده‌اند و در آن تلاش شده است از منظر سیاسی اندیشه‌های جدعان را بازنمایی کنند. صرف نظر از آنکه مقاله چه مقدار در رسیدن به این مطلوب توانا بوده است، در بخش شرح حال این شخصیت با خطاهایی روبه‌روست. امکان دارد این اشکال ناشی از ضعف منابع بیوگرافی درباره افراد معاصر باشد؛ به ویژه آنکه این مقاله حدود ده سال قبل منتشر شده است.

علاوه بر این موارد، مصاحبه علی عمیم با دکتر فهمی جدعان که با ترجمه مجید مرادی با عنوان «دشواری ترقی روشنفکری و قدرت؛ کارنامه فکری دکتر فهمی جدعان در مصاحبه با او» در بهار سال ۸۶ در کتاب ماه دین منتشر شد. همچنین مقاله‌ای از فهمی جدعان با عنوان «فلسفه ابوسلیمان منطقی سجستانی» نیز توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است.

آشکار است آنچه از فهمی جدعان در زبان فارسی منتشر شده بسیار ناچیز و گاه متمرکز بر تألیف و موضوعی خاص است. از این رو مقاله حاضر که نگاهی فراگیر به اندیشه‌های فهمی جدعان دارد، می‌تواند در شناخت او برای فارسی‌زبانان مؤثر باشد.

این مقاله یکی از مقالات جلد اول مجموعه‌ای با عنوان «اعلام تجدید الفکر الدینی» است که نشر مؤمنون بلاحدود با اشراف «بسام الجمل» منتشر کرده است. نویسنده مقاله «ناجیه الوریمی بوعجیلة» استاد دانشگاه تونس است که در این نوشتار ضمن بیان زندگی و عناوین کتب فهمی جدعان به بررسی تحلیلی نگرش او در تألیفاتش پرداخته است. این تحقیق بر کتبی خاص از فهمی جدعان متمرکز نشده است، بلکه تلاش می‌کند با نگرشی کلی بر تألیفات او، زمینه‌آشنایی ما را با فضای فکری فهمی جدعان یا آنچه نویسنده از آن منظومه فکری یاد می‌کند، فراهم کند؛ زیرا اطلاع از منظومه فکری جدعان در فهم تک‌تک تألیفات او سودمند است. نویسنده با نقدی منصفانه درباره جدعان،

نوشته‌های او را تحول‌بخش می‌داند و معتقد است بعد از آشنایی با دیدگاه‌های فهمی جدعان دیدی متفاوت نسبت به مسائل خواهید داشت.

۱. زندگی‌نامه فهمی جدعان

فهمی جدعان یکی از متفکران شناخته‌شده جهان عرب است. تألیفات متمایز او سرشار از نقد، بررسی و پژوهش بنیادی است. این استاد دانشگاه، متفکر و سخنور در عین غزال فلسطین در سال ۱۹۴۱ م به دنیا آمد. مدرسه را در دمشق پشت سر گذاشت و در دانشگاه دمشق کارشناسی مطالعات فلسفی و اجتماعی خواند. سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه سوربون پاریس رفت و با رساله *الدولة في الآداب* در سال ۱۹۶۸ دکتری را به پایان رساند.

او در دانشگاه‌های عربی مسئولیت‌های علمی و اجرایی مهمی را به عهده گرفته است که عبارتند از: عضو مجمع اللغة العربية (اردن) از سال ۱۹۹۹ م، عضو هیئت مدیره مؤسسه جهان عرب پاریس، (۱۹۸۰-۱۹۸۴ م) عضو شورای اعتبارسنجی دانشگاهی برای دانشگاه‌های خصوصی در وزارت آموزش عالی، عمان، اردن، (۱۹۹۴-۱۹۹۸ م) ریاست هیئت تحریریه مجله *دراسات*، نشریه علمی - پژوهشی دانشگاه اردن و *البصائر* مجله علمی پژوهشی دانشگاه دخترانه عمان، اردن.

وی به دلیل تلاش‌های علمی به جوایز و نشان‌های افتخار متعددی دست یافته است: نشان دانشگاهی نخل در فرانسه در سال ۱۹۸۶ م، نشان قدس برای فرهنگ، هنر و ادبیات در فلسطین در سال ۱۹۹۱ م، لوح تقدیر دولتی در علوم اجتماعی از کشور اردن هاشمی در سال ۱۹۹۳ م، جایزه سلطان بن علی العویس برای علوم انسانی و آینده‌پژوهی در امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۷ م و نشان درجه یک شاه حسین از کشور اردن در سال ۲۰۱۱ م.

۲. تألیفات

فهمی جدعان نویسنده‌ای است که کتاب‌ها و مقالاتش در سرزمین‌های عربی همواره زمینه‌ساز بحث و نقد جدی بوده است. او در میراث عربی و نواندیشی غور کرده و آن را در سیاق عربی و انسانی بررسی کرده است. کتاب‌های او از روش علمی دقیق بهره می‌برد و دارای عناوینی جالب و امیدبخش است.

۱-۲. کتاب‌های عربی

اسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحديث؛ چاپ اول، المؤسسة العربية للدراسات

۱. برخلاف مدارک رسمی که تاریخ تولد استاد جدعان را ۱۹۳۹ ذکر کرده‌اند، ایشان این تاریخ را ۱۹۴۱ می‌داند و درباره علت این اختلاف گفته است: وقتی در سال ۱۹۴۸ ما را در اردوگاه پناه‌جویان فلسطینی بیروک در دمشق جای دادند، مادرم برای دریافت کمک هزینه بیشتر، دو سال به سن من اضافه کرد؛ زیرا کودکان بزرگ‌تر کمک هزینه بیشتری دریافت می‌کردند و همین عدد در مدارک ثبت شده است. البته من شهادت مادرم را که جایگزینی ندارد، به گواهی مؤسسه کمک به پناه‌جویان ترجیح می‌دهم. (مکاتبات علمی با استاد جدعان. همچنین بنگرید به کتاب *سردیات العقل و الاھواء*، در دست چاپ)

- Etude sur la creation de la Parole divine, Universite de Paris, 1968.

او مقالات و نوشته‌های بسیار دیگری نیز به زبان‌های فرانسه انگلیسی و عربی نوشته که بخشی از مطالب آنها را در کتاب‌های مذکور آورده است.

۳. نگرشی اجمالی بر محتوای تألیفات

- اسس التقدم عند مفكرى الاسلام فى العالم العربى الحديث؛ چاپ اول، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، بیروت، ۱۹۷۹م.^۲

کتابی پر حجم درباره تعدادی از مهم‌ترین متفکرین اسلامی در جهان نوین عرب است. خط سیر اصلی که در مباحث مختلف این کتاب دنبال می‌شود، کشف بنیان‌های فکری اعتقادی اجتماعی و سیاسی است که از دید هریک از این متفکران موجب توسعه و پیشرفت است. کتاب صرفاً بیانگر تاریخ افکار نیست، بلکه در میان این مباحث، بنیان‌های لازم برای پیشرفت جهان عرب را نیز جستجو می‌کند. همان‌گونه که نویسنده آن می‌گوید:

این کار، تحلیلی نقدی با دو هدف است: اول پرکردن شکاف عمیقی که در تاریخ اندیشه ما رخ داده است و دوم مشارکت در ایجاد بیداری عربی در حال و آینده با روش ویژه‌اش در عقلانیت انتقادی.^۳

- نظرية التراث و دراسات عربية و اسلامية اخرى؛ چاپ اول، عمان، دار الشروق، ۱۹۸۵م.^۴

کتاب دربرداخته مجموعه مباحثی است که پیش از آن منتشر شده یا آنکه در رویدادهای علمی و آکادمیک ارائه شده و دارای سه محور است: مطالعات معاصر، مطالعات نوین، مطالعات کلاسیک.

در حالی که مطالعات نوین درباره متفکران دوره رنسانس و ابن خلدون در مقایسه با کتاب قبلی او أسس التقدم عند مفكرى الاسلام مطلب جدیدی ندارد،^۵ مطالعات معاصر تصویری از نظریه میراث ارائه می‌دهد که به رابطه میراث و تقدس و به اختلافات درباره وظیفه احیای میراث، الهام‌گرفتن از آن یا بازخوانی آنها پایان می‌دهد و وظایفی را که امروز میراث باید به آنها تکیه کند، مشخص می‌کند که عبارتند از: عملکرد روانشناختی، کارکرد زیبایی‌شناختی و مسئولیت عملی یا آنچه استاد جدعان آن را «الجدوی، امکان‌پذیری»^۶ می‌نامد. در مطالعات کلاسیک نیز نظرات جدیدی

۲. درباره این کتاب مقاله‌ای با عنوان «متافیزیک پیشرفت در جهان عرب» توسط دکتر سید حسن اسلامی (هفت آسمان، دوره ۱۲، شماره ۴۸، زمستان ۸۹؛ ص ۱۵۱-۱۷۲) نوشته شده است و عنوان کتاب به بنیادهای پیشرفت نزد متفکران اسلام در جهان معاصر عرب ترجمه شده است. (مترجم)

۳. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفكرى الاسلام فى العالم العربى الحديث، ط ۳، عمان، دار الشروق، ۱۹۸۸م، ص ۷.

۴. این عنوان در مقاله درباره فهمی جدعان در مجموعه اندیشه سیاسی متفکران مسلمان «نظریه سنت و مطالعات عربی و اسلامی دیگر» ترجمه شده است که به نظر می‌رسد به‌کارگیری کلمه میراث دقیق‌تر است و امکان خلط با مفهوم اصطلاحی سنت را کمتر می‌کند. (رک به: ج ۱۸، ص ۳۹۷) (مترجم)

۵. فهمی جدعان، نظرية التراث و دراسات عربية و اسلامية اخرى، عمان، دار الشروق، ۱۹۸۵م، ص ۹.

۶. همان، ص ۲۹-۳۱.

درباره مسائل و دانشمندان گذشته دارد.

- المحنة - بحث في جدلية الدين والسياسة في الاسلام؛ چاپ اول، دار الشروق، عمان، ۱۹۸۹م.^۷ کتاب مطالعه‌ای ویژه درباره رویدادهای سیاسی و مذهبی مشهور است که خلیفه عباسی مأمون و گروهی از اصحاب حدیث در آن به شدت نقش دارند و به «محنت» یا «محنت بن حنبل» معروف است. این پژوهش ژرف مبتنی بر مطالب مهمی است که از منابع متعدد و پراکنده گردآوری شده است و به بررسی واقعه، چگونگی آن و افراد تأثیرگذار در آن می‌پردازد. در این کتاب فهمی جدعان تصویری جدید از «محنت» ارائه می‌دهد که نقش عوامل سیاسی حاکم را آشکار کرده و چهره استبدادی‌ای را که به معتزله نسبت داده شده است، از آنها نفی می‌کند.

- الطريق الى المستقبل: افکار - قوى للأزمة العربية المنظورة؛ المؤسسة العربية للدراسات والنشر، بیروت، ۲۰۰۰م.

این کتاب به محدودیت‌های برنامه‌های انقلابی و علت از بین رفتن آنها می‌پردازد و از ضرورت گذر از نقد اندیشه برای رسیدن به نقد عملکرد سخن می‌گوید. او عقلانیت مجرد و اندیشه صرف را که از موضع بالا با واقعیت روبرو می‌شود، رد می‌کند و تفکر تطبیقی به وجود می‌آورد که با همه وقایع مستقیماً و از جنبه‌های مختلف در تماس است. مصاحبه‌کننده از او این‌گونه نقل می‌کند:

(راه آینده) در گام اول عملی روشن‌گرانه است و نه اصلاح‌گر؛ زیرا تغییر و اصلاح به ارائه تصویری نظام‌مند و آینده‌نگرانه نیازمند است که مستقیماً برگرفته از شکل کنونی آن باشد.^۸

- الماضي في الحاضر - دراسات في تشكلات و مسالك التجربة الفكرية العربية؛ چاپ اول، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، بیروت، ۱۹۹۷م.^۹

نویسنده مجموعه‌ای از مطالعات و پژوهش‌هایی را که پیش‌تر در مناسبت‌های مختلف نوشته بوده، در این کتاب گرد آورده و سپس جزئیات آنها را در آخر کتاب اضافه کرده است. او در مقدمه چهار دلیل آشکار برای جمع آنها در یک مجموعه بیان کرده است:

اول: «تجربه اندیشه عربی از ابتدای اسلام تا عصر حاضر را به روشنی به تصویر می‌کشد». دوم: «از اصول معرفتی که فکر عربی در تجربه تاریخی‌اش به آنها توسل کرده، یعنی نص، عقل، تجربه و عرفان پرده برمی‌دارد». سوم: از تجربه اندیشه عربی «تجربه‌ای همواره پویا که گذشته به عنوان یک دیدگاه قطعی

۷. این کتاب با عنوان المحنة؛ سیر جدالی دینداری و سیاستمداری در اسلام، توسط محمدعلی عسگری ترجمه و در سال ۱۳۹۸ توسط شرکت سهامی انتشار، منتشر شد. (مترجم)

۸. گفتگوی موسی برهومة با فهمی جدعان، منتشر شده در پایگاه:

http://daharchives.alhayat.com/issue_archive/Wasat20magazine/1998/2/23

۹. این عنوان در مجموعه اندیشه سیاسی متفکران مسلمان «گذشته در حال: مطالعه شیوه و روش شناختی و فکری عربی» ترجمه شده است. (ج ۱۸، ص ۳۹۷) (مترجم)

دست و پای آن را نبسته و تعاریف قطعی آن را در حصار خود نگرفته و متعرض آن نشده است» به تصویر می کشد. «چهارم: «به این سؤال پاسخ می دهد که رابطه ما با میراث و یا گذشته چیست»^{۱۰}.

- ریاح العصر - قضایا مرکزیه و حوارات کاشفة: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، بیروت ۲۰۰۲ م.
این کتاب بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ارائه شده و نویسنده در آن گفتگوها و مقالاتی را درباره اسلام سیاسی جمع آوری کرده است. کتاب، تحلیل پدیده هایی است که با نظام اجتماعی و سیاسی رایج در جهان عربی و اسلامی در ارتباط هستند؛ نظامی که با توجه به شرایط زمانه، غرب در تعیین آن نقش مهمی دارد و در چارچوب این نظام، بلکه به سبب آن، پدیده اسلام سیاسی آشکار شده است. این نوشتار عقل، علم و عمل را ضامن دستیابی به راه حل می داند.

- المقدس و الحرية و ابحاث و مقالات اخرى من اطیاف الحداثه و مقاصد التحديث؛ بیروت المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۲۰۰۹ م.

مقالات و پژوهش هایی که تعداد کمی از آنها قبلاً در نشریات تخصصی منتشر یا در مناسبت های علمی و دانشگاهی ارائه شده بود، در این اثر گرد آمده است. این کتاب درباره «موضوعات، مفاهیم و ارزش هایی است که در میراث فرهنگی عرب، سنت های اسلامی و وقایع عصر جدید انعکاس یافته است»^{۱۱}. نویسنده ضمن سخن از آنچه آن را «شهر جهانی اسلام» نامیده است، به همه مباحث هم سنخ و متباین همچون مقدس، آزادی، عدالت، مشورت، دموکراسی، دین، قیام، انسان می پردازد.^{۱۲}

- خارج السرب - بحث فی النسوية الاسلامية الراضية و اغرائات الحرية؛ بیروت، الشبكة العربية للابحاث و النشر، ۲۰۱۰ م.

به بررسی فمینیسم اسلامی مخالف^{۱۴} و زنانی از فرهنگ ها و جوامع اسلامی پرداخته است که «جلوه ای از اسلام جهانی شده ارائه کردند»^{۱۵}. فهمی جدعان آثار چهار زن نویسنده و متفکر را مطالعه کرده است که «چهره ای برجسته و به روز از فهم اسلام به تصویر کشیدند که همان جنبه ارتدادی و نمایانگر شکل رایج و واقعی زندگی معاصر است»^{۱۶}.

۱۰. فهمی جدعان، الماضي فی الحاضر، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، بیروت، ۱۹۹۷ م، ص ۸.

۱۱. این عنوان درج ۱۸ مجموعه اندیشه سیاسی متفکران مسلمان «بادهای دوران: مسائل اساسی و مناظرات مهم» ترجمه شده است. (ج ۱۸، ص ۳۹۷) (مترجم)

۱۲. فهمی جدعان، المقدس و الحرية، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۲۰۰۹ م، ص ۹.

۱۳. همان، ص ۲۴.

۱۴. النسوية الاسلامية الراضية.

۱۵. فهمی جدعان، خارج السرب، بیروت، الشبكة العربية للابحاث و النشر، ۲۰۱۰ م، ص ۱۳.

۱۶. همان، ص ۱۴.

این زنان ارشاد منجی،^{۱۷} تسلیمه نسرین،^{۱۸} ایان حرسی علی^{۱۹} و نجلاء کیلیک^{۲۰} هستند که ساز مخالف زدند و به شدت از اسلام و فرهنگ اسلامی انتقاد کردند. جدعان در این کتاب، سخنان آنان را تحلیل و نقد کرده است.^{۲۱}

- فی خلاص النهایه - مقال فی وعود الاسلامیین و العلمانیین و اللیبیرالیین؛ چاپ اول، عمان، دار الشروق، ۲۰۰۷ م.

نویسنده نظام‌های فکری سیاسی همچون نظام اسلامی، علمانی و لیبرالی که نجات‌نهایی را وعده می‌دهند، تحلیل کرده است؛ نظام‌هایی که همگی نمایی دوردست و کلان از مسائل ارائه داده و مدعی راه حل هستند. نظام‌های تک‌بعدی که هیچ‌یک از آنها «به جایگزینی دیگری رضایت نمی‌دهند»^{۲۲} جدعان به این نگرش مطلق‌گرا، رادیکال و انحصارطلبانه خدشه وارد کرده است و جدا از این نگرش‌ها از امکان دیدگاه دیگری سخن گفته که در نجات «کشورهای عربی متزلزل و انحلال یافته» مؤثرتر است.

- تحریر الاسلام - و رسائل زمن التحولات؛ چاپ اول، بیروت، الشبكة العربیة للابحاث و النشر، ۲۰۱۴ م. این کتاب آخرین کتاب فهمی جدعان است که در آن به چاره‌جویی مسائلی پرداخته که پس از تحولات سال ۲۰۱۱ در جهان عرب اتفاق افتاده است. او این مسائل را به دو بخش تقسیم کرده، بخش اول با عنوان «تحریر الاسلام» درباره مخالفت‌ها و اعتراضاتی است که در جامعه بروز کرده و در بخش دوم از ارزش پیشرفت و توسعه دفاع کرده است.

۴. جلوه‌های نواندیشی روشی و معرفتی در کتاب‌های فهمی جدعان

استاد فهمی جدعان برخلاف آنچه بر اساس تواضع علمی در کتابش نفی کرده،^{۲۳} دارای منظومه فکری است که نشانه‌هایی روشن آن را در مسیری خاص حرکت می‌دهد و به برگزیدن آرایی کاملاً متعادل هدایت می‌کند: دستیابی به تعادل دشوار بین امور به هم پیوسته‌ای که انسان و جامعه عرب را به خود جذب کرده و مانع از آرامش و ثبات روحی آن شده و کارآمدی و بهره‌وری مادی و اجتماعی آن را مختل کرده است.

۱۷. اهل اوگاندا.

۱۸. اهل بنگلادش.

۱۹. اهل سومالی.

۲۰. اهل ترکیه.

۲۱. فهمی جدعان با تقسیم فمینیسم در جهان اسلام به دو گروه «فمینیسم اسلامی تأویلی» و «فمینیسم اسلامی رافض» این چهار زن را نماد گروه دوم می‌داند؛ کسانی که قربانی سنت‌های غلط محل زندگی خود بودند و کودکی سختی داشته‌اند. بنابراین طرح‌ها و پژوهش‌های آنها تابع «عقلانیت شناختی» نیست، بلکه تابع «عقلانیت انفعالی» است. این عقلانیت خود حاصل طغیان است و در رابطه با جهان خارج مشکل دارد. (رک به: اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، ج ۱۸، ص ۴۰۹) (مترجم)

۲۲. فهمی جدعان، فی الخلاص النهایه - مقال فی وعود الاسلامیین و العلمانیین و اللیبیرالیین، عمان، دار الشروق، ۱، ۲۰۰۷ م، ص ۲۳.

۲۳. استاد جدعان در مقدمه کتاب الماضی فی الحاضر با تواضع بسیار خود را صاحب منظومه فکری نمی‌داند. (ص ۷ و ۸)

قصدها از تعادل، همان‌گونه که خود او در برخی از موارد توضیح داده است، تلفیق شکلی یک اندیشه نیست که بر اساس آن، هر نظر متناسب را از هر جا برگزینند؛ زیرا در اندیشه تلفیقی عوامل ایجاد و استمرار پایدار نیست، بلکه مقصود ما توازنی اصیل، یکپارچه و متمایز است که از میدانی عقلانی سرچشمه می‌گیرد و همواره میان معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و تاریخ پل می‌زند؛ پل‌هایی که همه طیف‌های اندیشه عربی آنها را نادیده گرفته‌اند و با ایجاد تقابل ویرانگر میان معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و تاریخ، انسان‌ها و به طور خاص اعراب را در کوره منازعات روانی بی‌پایان انداخته‌اند.

تحقق تعادل تنها به مسائل داخلی، فرهنگ و زندگی اعراب وابسته نیست، بلکه با مسائل خارجی و پیوند ارادی یا اجباری با دنیای مدرن نیز مرتبط است. سخن از تعادل در مسائل خارجی سهم زیادی در نوشته‌های استاد جدعان به عنوان کسی که بیان‌گذار ارتباط عرب مسلمان با انسان جهان مدرن است دارد. به طوری که گفته است:

در کوره جهان نوین بالا و پایین می‌شویم و تلاش می‌کنیم تا حد توان تصویری از موضوعات و ارزش آنها ارائه دهیم که با واقعیت که اغلب نسبت به آن بی‌توجه هستیم، مرتبط و عنایت ویژه به ارتباط آن با تجربه تاریخی داشته باشد و بعضی از اصول و فرهنگ جاری در آن را همراهی کند؛ بدون آنکه در گفتمان آن گرفتار و در معایب آن درگیر شود و در برابر فریب‌های «نواندیشی» و زیاده‌روی‌های بی‌دینی کنونی تسلیم گردد.^{۲۴}

این همان منظومه فکری است که نوشته‌های فهمی جدعان آن را ترسیم و در مسیر آن حرکت می‌کند که در آن به چالش تعادل منحصر به فرد میان انسان و انسان عربی می‌پردازد.

ویژگی برجسته این منظومه فکری، تغییر زاویه دید در نگرش به چالش‌های گذشته و حال و بازنگری در قرائت رایج در این باره و به کارگیری ابزار روشمند و متناسب برای قرائت انتقادی سازنده است.

در ادامه به مهم‌ترین ویژگی‌های روشی و تمایزات فکری این منظومه می‌پردازیم:

در تألیفات فهمی جدعان روش دو جایگاه ویژه دارد: جایگاه نظریه‌پردازی که شامل همه مواردی است که فهمی جدعان روش بحث خود را توضیح داده است و دیگری جایگاه عملی و تطبیقی، دربرگیرنده همه تحلیل‌های عمیق - و احياناً جسورانه - او درباره مسائل و موضوعاتی است که گاه بسیار مشکل و قابل تأمل است.

بر مبنای دو جنبه نظری و عملی آشکار می‌شود که فهمی جدعان بر روش تأویلی تکیه دارد. روشی که دلالت متن را از نظر ساختار و رابطه آن را با بقیه قالب‌ها و سیاق‌های متن بیان می‌کند و از لحاظ

سیاق تاریخی، تولید متن و فهم متن را به شکل مساوی توضیح می دهد. می گوید:

وقتی کار فکری یا ادبی یا فنی را آغاز می کنیم، علی رغم همه اشارات صریح و ضمنی که این اثر به ما می رساند و با وجود همه تمایزاتی که شرایط تاریخی و زمانی مشخص بر آن تحمیل می کند، کاملاً انسان شناسانه، فرهنگی، معنوی و زیبایی شناسانه به آن می پردازیم.^{۲۵}

روش فهمی جدعان زمینه توجه او را به ابعاد مهم و یکپارچه در مسائلی که بیان می کند، فراهم کرده است. روشی که از تاریخی بودن متن و دلالت های آن آغاز می شود و به تاریخی بودن فهم می رسد. همچنین این شیوه باعث شده فهمی جدعان جسورانه و انتقادی به موضوع پژوهش خود پردازد و متقاعد شود که «به معرکه ای وارد شده که دشمن سرسختش، تأمل نکردن درباره آن است».^{۲۶} بنابراین بدون واژه از بازتاب های احتمالی، در نقد آنچه نیازمند بررسی است، تردید نمی کند.^{۲۷} نقد او از برخورد صادق و سازنده با موضوع سرچشمه گرفته و از آنچه آن را «ترک روش بی اثر کلی نگری در تعامل با فرهنگ عربی اسلامی»^{۲۸} می نامد، ناشی شده است.

در بخش دیگر آثارش، رویکرد تأویلی را جایگزینی نتیجه بخش در تعامل با فرهنگی که در آن متن و حیاتی محوری دارد، می داند. از دید او روش بازنگری در قرائت، تفسیر و تأویل تنها روش راهبردی و استوار در مواجهه با مشکلات اسلام به ویژه در عصر کنونی و آینده است.^{۲۹} جدعان بر این مفهوم در فصلی از کتاب تحریر الاسلام با عنوان «شیء من المنهج» تأکید کرده است و روش ظاهری را که در مواجهه و فهم نصوص دینی در محدوده احکام شرعی متوقف می شود و فراتر نمی رود، با روش تأویلی که به شفاف سازی و تبلور مبادی شریعت و پویانمایی آن توجه دارد، کاملاً متفاوت می داند و می گوید:

روش تأویلی حیات و پویایی را به جامعه برمی گرداند و توانایی و قدرت انسانی زیادی برای آن فراهم می کند، تقلید و سنت گرایی انسان را از وجود اجتماعی دور می کند و در زندگی سرشار از بدبختی، جهل و غربت غرق می کند.^{۳۰}

و می گوید:

در عصر نوین، حرکت روبه جلوی اسلام جز با رهایی از نص محوری و ظاهرگرایی در نصوص متشابه و انتخاب قرائتی که بر اساس تأویل و فهم عقلی موافق با شرایط زمان،

۲۵. همو، الماضي فی الحاضر، ص ۷.

۲۶. فهمی جدعان، المحنة - بحث جدلية الدين والسياسي في الاسلام، عمان، دار الشروق، ط ۱، ۱۹۸۹م، ص ۱۳.

۲۷. همو، أسس التقدم عند مفكري الاسلام، ص ۱۵.

۲۸. همان، ص ۱۲.

۲۹. همو، خارج السرب، ص ۱۹.

۳۰. فهمی جدعان، تحریر الاسلام و رسائل زمن التحولات، ط ۱، بیروت، الشبكة العربية للابحاث والنشر، ۲۰۱۴م، ص ۳۳-۳۴.

سرسشت و الزامات متناسب با آن تحکیم و تقویت شده باشد، امکان پذیر نیست.^{۳۱}

روش تأویلی بیان شده در کتاب‌های فهمی جدعان برای تجدیدنظر در احکام، دیدگاه‌ها و آراء بر پژوهش‌های عربی که تا آن زمان نهایی و غیرقابل نقد و بازنگری بودند، غلبه و آنها را به بررسی و تحقیق در مسائل وادار کرد؛ زیرا تطور و دگرگونی فکری نشانه بارز پویایی مباحث است و بازبینی مستمر در مسائل موجب تقویت و گسترش دایره پذیرش آنها می‌شود.

در ادامه به ذکر مطالبی اکتفا می‌کنیم که به شکل فزاینده و آشکار بازخوانی میراث مبتنی بر روش متمایز و فراگیر عقلانی و اعتقاد به عدالت و لیبرالسم مبتنی بر همبستگی اجتماعی را بیان می‌کنند.

۱-۴. بازنگری در میراث

بازنگری از خود مفهوم تراث آغاز می‌شود؛ زیرا فهمی جدعان بر تاریخی بودن میراث تأکید دارد و معتقد است میراث دستاوردی بشری است که با توجه به شرایط عینی خاص قابل پذیرش است و هیچ دلیلی بر تقدس آن نیست. او با شجاعت در برابر هر گونه بهره‌برداری ایدئولوژیک از میراث می‌ایستد؛ خواه از جانب سلفی‌ها و در جریان پوچ و بی‌اساس احیای سنت‌های گذشته باشد، خواه از سوی لیبرالی‌ها و به بهانه اقتباس و الگوبرداری.

او با تحلیل روش علمی مدعی الگوبرداری و اقتباس آشکار می‌کند که این روش تنها در صدد موجه جلوه‌دادن مفاهیم و مسائل نوین است و با تکیه بر تاریخی دانستن میراث و عدم صلاحیت آن برای آینده، در واقع بابتی تازه برای بازخوانی و تأویل متن و حیانی در جهت پدید آوردن میراثی جدید متناسب با الزامات زمان می‌گشاید.

در حیطه بازخوانی، فهمی جدعان برداشت‌های نوینی درباره برخی از مسائل، اشکالات و گفتمان‌های بنیادی مطرح کرد که مجالی برای بررسی همه آنها نیست و تنها به بیان دو نمونه که نقشی ویژه در مطالعه درباره میراث دارند، اکتفا می‌کنیم که اولی واقعه محنت و دومی پدیده خلدونی است.

در کتاب المحنة - بحث فی جدلیة الدینی و السیاسی فی الاسلام فهمی جدعان جوانب تاریکی از این موضوع را آشکار می‌کند^{۳۲} که مطالعات تقلیدی حتی مطالعات رایج نوین چیزی جز ابهام بر آن نیفزوده‌اند؛ زیرا آنها جریان معتزله را کاملاً مسئول می‌دانند و برخلاف اصول منصفانه و روشنگرانه‌ای که به معتزله نسبت داده می‌شود، آنها را به استبداد رأی متهم می‌کنند. در مقابل، فهمی جدعان

۳۱ همان، ص ۳۴.

۳۲. با وجود مطالبی که استاد جدعان بیان کرد، همچنان این موضوع به ویژه درباره رابطه بین قدرت دولت مأمون و گروه اهل حدیث که می‌خواستند در دولت دخالت کنند یا آن را تغییر دهند، جای بحث دارد. آیا جایز است مأمون قدرت حاکم را برای حمایت از آزادی کسانی به کار گیرد که می‌خواهند با جلوگیری از اختلاف نظر، دید خود را بر بقیه تحمیل کنند؟

نقش سلطه سیاسی را در بروز این تنگنا آشکار می‌کند؛ زیرا سلطه‌گزینه‌های علمی و فرهنگی خود را به همه تحمیل می‌کند و استقلال فکری را که سزاوار هر عالم و تحصیل‌کرده‌ای است نمی‌پذیرد. در نتیجه تنگنا یا محنت بر اثر استبداد سیاسی تقلیدی به وجود آمده و معتزله دخالتی در آن نداشته‌اند و مسئولیتی متوجه ایشان نیست.^{۳۳}

نمونه دیگر برای نوآوری استاد فهمی جدعان در مطالعه میراث، برداشت او درباره ابن خلدون است. جدعان ابن خلدون را که پیش از حمله ناپلئون بناپارت بود، نماینده و پیشگام نواندیشی و دوران مدرن عرب برشمرد و گفت ابن خلدون اصل دوران مدرن ماست، «نه توپ‌های ناپلئون بناپارت»؛^{۳۴} در حالی که نگرش رایج، فلسفه ابن خلدون را «آئینه‌ای برای فلسفه فروپاشی تمدن» می‌دانند.

جدعان معادله‌ای را که نشانگر انحطاط بود، به نشانه‌های بیداری و نواندیشی تبدیل کرد. او از دید خویش نواندیشی ابن خلدون را با قطع نظر از منظومه فکری یونانی که تا قبل از ابن خلدون در فکر عربی اسلامی مؤثر بود، به تصویر کشید و گفت: ابن خلدون «در یک روایت جامع از هستی (وجود) و جهان (واقع)، کاملاً بین این دو پارادوکس ایجاد کرد؛ زیرا کار منحصر و شاهکار او انتقال از هستی‌شناسی و متافیزیک ذهنی بود؛ یعنی انتقال توجه بر وجود مطلق به واقعیت عینی تاریخی؛ یعنی تغییر از عقلانیت آرمانی به عقلانیت عینی یا واقع‌گرایانه»^{۳۵} و این گذر «از هستی‌شناسی و متافیزیک به سوی فلسفه در تاریخ جامعه و سیاست است، یعنی به علم جامعه‌شناسی».^{۳۶} از این دو برداشت مشخص است که ما با یک ذهنیت محققانه منحصر به فرد روبرو هستیم که برای تفکر غالب و رایج به اندازه قرائت و تأویل نصوص ارزش قائل نیست.

۲-۴. جامع‌نگری مبتنی بر روش متمایز و فراگیر عقلانی

سزاوار است که در ابتدا اشاره کنیم که چاره‌جویی‌های استاد جدعان درباره جامع‌نگری در مرحله طرح و نظریه دچار دگرگونی است؛ گاه در بحث میانه‌روی و اعتدال از آن سخن می‌گوید، سپس تغییر دیدگاه می‌دهد و به بخشی که آن را روش متمایز و فراگیر عقلانی می‌نامد می‌پردازد.

بر اساس تألیفات او، تفکر میان‌جیگر بین عوامل یا امور ناسازگار، معیاری برای داوری درباره نظرات نویسندگان و علمایی است که مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به همین دلیل مباحث او سرشار از نقد نگرش‌های افراطی در رویکردهای مختلف است و او ترجیح می‌دهد برای نزدیکی به نواندیشی و عقلانیت، در زمین بی‌طرفی باقی بماند است؛ بدون آنکه ارتباط مبنایی و اصیل خود را با نص

۳۳. فهمی جدعان، المحنة بحث فی جدلیة الدینی و السیاسی فی الاسلام، ص ۲۶۷-۲۹۰.

۳۴. همو، المقدس و الحریة، ص ۳۶۳.

۳۵. همان، ص ۳۴۷.

۳۶. همان، ص ۳۴۹.

وحیانی و میراث قطع کند.^{۳۷}

پژوهش‌های او همین‌طور به نقد مواضع کوتاه‌فکرانه متفکران معاصر می‌پردازد؛ کسانی که در ابتدا در برابر فرهنگ غربی متحیر شدند و درباره آن مبالغه کردند و در حالی که به ارزش مادی انسان توجه می‌کردند، از ارزش‌های روحی او غافل شدند.^{۳۸}

از خلال این مسائل و دیگر مشکلات، استاد جدعان تلاش می‌کند تا مفهوم خاصی برای اصطلاح میانه‌روی مبتنی بر شناخت عقلانی ارائه دهد، ولی او در مرحله بعدی از سیراندیشه‌اش متوجه دشواری این کار می‌شود؛ زیرا این اصطلاح در جریان معنایی و دلالتی قرار دارد که تحریف و مصلحت‌اندیشی در آن بسیار است و در نهایت به پشتیبانی از دیدگاه‌هایی منتهی می‌شود که مخالف پیشرفت، عقلانیت و دیدگاه‌های بشری است که به آنها اعتقاد دارد. او می‌گوید: «مدت‌ها پیش تلاش آشتی‌جویانه را کنار گذاشتم؛ زیرا تنها در بعضی از شرایط و مناسبت‌ها کاربرد دارد، نه بیشتر و نه کمتر و در نقطه مقابل به تفکر متمایز و فراگیر عقلانی که ترکیبی از دستورات عقلانی محض با الزامات ذهن عاطفی در چارچوب نگرش صریح انسانی است پرداختم».^{۳۹}

زیرا عقلانیت در مباحث استاد جدعان مفهوم جامعی است که «همه بخش‌های تشکیل‌دهنده انسان همانند عقل، حافظه، اراده، حس و اشتیاق را در برمی‌گیرد». همچنان که می‌گوید: آنها را بخش‌های عقل نامیدم؛ زیرا باعث می‌شود انسان عادل باشد.

عدالت عقل به معنای آن است که به هر بخش از وجود انسان حق داده شود و احکامش بیان شود و مطابق آنچه برای آن بهتر است عمل شود.^{۴۰}

عقلانیت در مطالعات استاد جدعان عقلانیتی تک‌بعدی نیست، بلکه «عقلانیتی فراگیر و همه‌جانبه است»^{۴۱} یا همان که در بخشی دیگر^{۴۲} با عنوان تفکر متمایز و فراگیر عقلانی از آن یاد می‌کند و در تألیفات اخیرش با این مبنا به تبیین مبانی شناخت و توضیح جلوه‌های آن در دین، میراث و تفکر نوین و معاصر می‌پردازد.

استاد جدعان دین را به عنوان «یکی از عوامل مؤثر در ترکیب فرهنگ عربی می‌داند که باید از نظر عقلی

۳۷. از آن جمله آنکه او اشعری را راهی موفق دانست که بین نقل‌گرایان و عقل‌گرایان میانجیگری کرد و او اشعری را راه‌حلی در دوره جدید می‌داند. (رک به: فهمی جدعان، الماضي فی الحاضر، ص ۵۲ به بعد و همو، أسس التقدم در بحث موقفه من الماوردی، ص ۵۸ و ۷۲)

۳۸. فهمی جدعان، المقدس و الحریة، ص ۴۳۴.

۳۹. مراسم علمیة مع الاستاذ جدعان.

۴۰. فهمی جدعان، الخلاص النهائي، ص ۳۵۴-۳۶۱.

۴۱. همان، ص ۳۶۱.

۴۲. همان، ص ۳۶۲.

فهمیده شود و مورد مطالعه علمی قرار گیرد و به صورت انسانی نمایانده شود.^{۴۳}

براین اساس او روح منظومه معرفتی و هنجاری دین اسلام را در این عناوین خلاصه کرد:

ایمان و توحید، عدل، تقوا، فضیلت اخلاقی، آزاداندیشی فرهنگی و انسانی، طمأنینه و آرامش و سعادت در عالم غیب و شهادت.^{۴۴}

در همین راستا فهمی جدعان ادراک کلی پیشرفت نزد فلاسفه ای همچون کندی، فارابی، ابن رشد و غزالی را ستود و آن را پیشرفتی نویدبخش نامید که لایه ها و گستره متعددی دارد: توسعه فرهنگی (آزاداندیشی در برابر فرهنگ خارجی)، پیشرفت کسملوژی (علم تکوین عالم^{۴۵}) یا پیشرفت در طبیعت (نظریه تطور نزد سجستانی و سپس ابن خلدون)، پیشرفت روحی در طبیعت خود انسان (پیشرفت معنوی).^{۴۶}

در مقابل، فهمی جدعان از دیدگاه های تک بعدی متفکران جدید انتقاد کرد؛ زیرا هر کدام از این نظرات بر یک جنبه پیشرفت متمرکز شده و نسبت به بقیه بی توجه است و می گوید:

متفکران عرب در دوران مدرن غالباً به پیشرفت تک بعدی نگرسته اند و همه جنبه های دیگر را فروع آن بعد دانسته اند؛ حال آنکه می توانستند این وجوه را در ترکیب پیشرفت وارد کنند. این بعد یگانه نزد برخی عقیده ای است که از توحید نشأت گرفته و نزد بعضی دیگر سیاسی است و از ضرورت حکومت، آرمان های فردی و اجتماعی سیاسی الهام گرفته شده است و دیگران آن را امری اخلاقی یا زیبایی شناسانه تلقی کرده اند که بر اساس ارزش های مدنی یا برهنجارهای اجتماعی - اخلاقی و یا برارزش های اقتصادی بنیان گذاری شده است.^{۴۷}

همچنین این نویسنده به نقد نگرش تک بعدی و انحصاری حاکم بر نظام های فکری معاصر همچون اسلام گرایی، علمانیت، لیبرالی می پردازد و در مقابل به تبیین راه حل فراگیر و کاملی می پردازد که به آن معتقد است و می گوید:

در فضای دموکراتیک می توانید اساس اسلام حقیقی را که همان عدالت همراه با مصلحت و ارزش های همراه با آن است، بشناسید و مبنای اصلی سکولاریسم که عقلانیت فراگیر

۴۳. مراسل علمیه مع الاستاذ جدعان.

۴۴. الطريق الی الوجود - رؤیه، حزیران / یونینو (ژوئن)، ۲۰۱۴م، مقاله ای که برای مؤسسه الفکر العربی آماده شده و به زودی در پروژه فرهنگی این مؤسسه منتشر خواهد شد، ص ۷.

۴۵. خداپرستی، فرهنگ معارف، ص ۹۶. (مترجم)

۴۶. جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام، ص ۲۵-۵۳.

۴۷. همان، ص ۱۸۹.

است و اساس لیبرالیسم یکپارچه را که آزادی مثبت است و همگرایی ایجاد می‌کند، درک کنید. حاصل ترکیب اینها سیستمی است که در بردارنده فرهنگ و بویایی همه آنهاست و تحقق نتایج واقع بینانه، با کارایی بالا را امکان پذیر کرده و دستیابی واقعی به زندگی متمایز در حال و آینده جوامع عرب را فراهم می‌کند.^{۴۸}

براین اساس این دیدگاه جامع، ارزش عدالت و لیبرالیسم نقاط عطفی را در آثار اجتماعی فهمی جدعان به تصویر کشیده‌اند.

۴-۳. عدالت و لیبرالیسم اجتماعی مبتنی بر همبستگی

عدالت و لیبرالیسم اجتماعی مبتنی بر همبستگی، تکیه‌گاهی معنوی و مهم در آثار اجتماعی استاد جدعان دارند. او این دو مسئله را شرط نواندیشی و بیداری عربی می‌داند^{۴۹} و بر پایه عدالت و لیبرالیسم اجتماعی مبتنی بر همبستگی، شناخت عقلانی را که ترکیبی از ذهن شناختی و ذهن عاطفی است و آنچه آن را «ساختار جامع وجود انسانی، اجتماعی و سیاسی»^{۵۰} می‌نامد، می‌سنجد و قضاوت می‌کند. به همین دلیل آثار او در این باره به دو بخش تقسیم شده‌اند: نقد که به جداسازی واقعیت می‌پردازد و عوامل نابسامانی در آن را بیان می‌کند و بنیان‌گذاری که به طراحی جایگزین‌ها اهتمام دارد.

در بخش اول دیدگاه فراگیری را توضیح می‌دهد که علت بحران جامعه عربی یا شدیدترین بحران‌هایش را تنها به یک عامل محدود نمی‌کند و به جای اکتفا به شمارش عوامل، با به کارگیری روش تحلیلی عمیق، تحقیقات خود را بر ارتباط ساختاری میان عوامل معطوف می‌کند که در اینجا مجالی برای بررسی همه آنها نیست. بنابراین از بین عوامل به عاملی که اسلام را به اسلام سیاسی محدود کرد، می‌پردازیم که از دید استاد جدعان «تصویری بدعت‌گونه و وارونه از اسلام» که «برداشت‌ها و واکنش‌های طردکننده» را ایجاد کرد و سایه شوم آن بر همه معیارها در میراث دینی اسلام گسترده شد.

همان‌گونه که می‌گوید حقیقت این است که «اسلام سیاسی جز شکلی تغییر یافته از صورت ابتدایی و پاک اسلام نیست».^{۵۱}

او این عقیده را که هدف نهایی اسلام «همان هدفی است که دین اسلام را در لباس حزب سیاسی جدای طلب و سلطه‌جویه تصویر می‌کشد»^{۵۲} رد می‌کند.

از آنجا که در نوشته‌های استاد جدعان مبارزه با پدیده‌های افراطی آسیب‌زا برای اسلام و مسلمانان،

۴۸. همو، فی الخلاص النهائی، ص ۳۸۵.

۴۹. همو، تحریر الاسلام، ص ۴۴۵.

۵۰. همو، فی الخلاص النهائی، ص ۳۶۱.

۵۱. همو، الطريق الی الوجود، ص ۸.

۵۲. همو، فی الخلاص النهائی، ص ۳۵۳.

جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است، در بخش‌های متعددی از تألیفاتش «شکل‌های عجیب از برداشت‌های افسانه‌ای، فتاوی‌ای شوک‌آور، دیدگاه‌ها و مواضع توهین‌آمیز و بی‌ادبانه نسبت به کسانی است که اختلاف نظر و یا تفاوت کامل در دین، مذهب یا عقیده دارند، همچنین ظواهر بدعت‌گونه که طردکننده اسلام است و موجب انحطاط شرم‌آور دین اسلام نه تنها در گستره جهانی، بلکه در فضا‌های خاص اسلامی نیز می‌شود»^{۵۳} محکوم می‌کند.

او خواهان آزادی اسلام از این مسائل برای اتصال به نقطه مقابل آن، یعنی پیشرفت در تحولات معاصر و همان چیزهایی است که نزد او ارزش‌های انسانی و دینی تلقی می‌شوند که عبارتند از «عدل، مساوات، آزادی، منافع مشترک، احترام به کرامت انسانی، حق اختلاف نظر، ارتباط و شناخت متقابل، صداقت، شفقت، تقوی، خیر، سعادت».^{۵۴}

در بخش دوم از نوشته‌های اجتماعی و سیاسی استاد جدعان، با طرح جایگزین یا راه‌حل‌ها روبرو می‌شویم که اولین آنها راه‌حل سیاسی است. او می‌گوید:

افرادی که همه وجود خود را صرف کار سیاسی کرده‌اند و برای انجام وظیفه سیاسی برخاسته‌اند و رهایی از سختی‌های بزرگ را رهبری کرده‌اند، با شعور و بینش کامل دریافته‌اند که تنها راه خروج امن و استوارماندن، در فضیلت عقل، یعنی حکمت و در فضیلتی که همه فضایل را درون خود دارد و در افراد، جوامع و دولت‌ها تجلی می‌کند، یعنی عدالت نهفته است.^{۵۵}

و در برداشت سیاسی او، مصلحت به واسطه عدالت محقق می‌شود و می‌گوید:

هر دولت عادل‌ی که مصلحت را اجرا کند و فساد را از بین ببرد و از آن پیشگیری کند، آن دولت مشروع است.^{۵۶}

درباره عدالت، استاد جدعان بر اصل لیبرالیسم ایستاد و آن را تنها شرط اساسی زندگی آزاد و مبتنی بر کرامت انسانی برشمرد که پتانسیل‌های انسانی را آزاد می‌کند و آن را در زمینه اندیشه، اعتقاد، سیاست، اقتصاد و توسعه اجتماعی به جریان می‌اندازد، ولی بین مدل‌های لیبرالیسم تفاوت قائل شد و گفت: «لیبرالیسم حامی عدالت و همبستگی اجتماعی، اصل لیبرالیسم در کاری فراگیر و همگرایانه است»^{۵۷} و امتیازات آن در سازماندهی اجتماعی و سیاسی بی‌شمار است، اما نتایج «نولیبرالیسم و

۵۳. همو، تحریرالاسلام، ص ۴۲.

۵۴. همان.

۵۵. همو، الطريق الی الوجود، ص ۲۲.

۵۶. همان، ص ۶.

۵۷. همو، تحریرالاسلام، ص ۴۴۶.

اقتصاد بازار کاملاً آزاد»^{۵۸} ویرانگر تعادل لازم بین ارزش‌ها و انسانیت است.

براین اساس استاد جدعان ارزش آزادی در ابعاد مختلف اجتماعی سیاسی و فکری را ستایش می‌کند^{۵۹} و استبداد سیاسی و هر چه که به آزادی اندیشه لطمه بزند، رد می‌کند و آن را از لحاظ تئوری و در واقع از نظر تجربه تاریخی محکوم می‌کند؛^{۶۰} اما او در گرایش عقلانی‌اش آزادی غیرسازنده را نمی‌پذیرد؛ زیرا سودی جز تنش و کشمکش‌های بی‌حساب و کتاب بین بزرگان ایجاد نمی‌کند و در واقع راه آزادی عقیده را سد می‌کند.^{۶۱}

رهایی از گذشته و نگرشی انتقادی به آن به منظور ایجاد رابطه نوین با آن، اصرار بر جامعیت با تکیه بر روش فراگیر عقلانی و بالابردن ارزش عدالت و لیبرالیسم یکپارچه سه محور اصلی هستند که منظومه فکری استاد جدعان را متمایز می‌کند؛ دیدگاه‌ها و نظراتی که در اکثر موارد هم قانع‌کننده و هم بحث‌برانگیز هستند.

۵. بررسی نقدی نواندیشی در دیدگاه فهمی جدعان

استاد فهمی جدعان نگرشی استدلالی و تأثیرگذار دارد و دیدگاهی را با این پیش‌فرض که «تنها این حقیقت است و لاغیر» به تو تحمیل نمی‌کند، بلکه در برابرت باب گفتگویی سازنده را می‌گشاید که گاه تو را قانع می‌کند و گاه قانع‌کننده نیست، ولی با این حال خواننده تلاش بسیار و صداقت علمی او را تجلیل می‌کند و به آن احترام می‌گذارد.

ساختار نظری که استاد جدعان به وجود آورد، به همان اندازه که از نظر داخلی و عناصر مستقیم ایجادکننده هماهنگ است، در عملکرد گاه اشکالاتی دارد و از جهاتی با مبنای او مخالف است. بنابراین ادعای ارائه مبنای فراگیر، گمراه‌کننده است؛ زیرا وعده داده بود تناقضاتی که در هر جا انسان را خسته و فرسوده می‌کند و او را در بن‌بستی‌های بدون مفر وارد می‌کند حل کند. این مشکل موجب می‌شود او با اتهام اراده‌گرایی (voluntarism)، یعنی ترجیح اراده انسان و اهداف او بر الزامات و محدودیت‌های عینی در ترسیم جایگزین‌ها روبرو شود.

درباره نوآوری‌های استاد جدعان برای ایجاد نگرش جامع مطالب بسیاری بیان شد، ولی برخی از مباحث آن در حاله‌ای از ابهام مفهومی و به‌ویژه در نوعی ناتوانی از نفوذ به واقعیت و اثرگذاری در آن باقی مانده است. شاید مهم‌ترین آنها صرف نظر از آنکه آن را تحت چه عنوانی بیان کرده، ناکام دانستن روش عقلی در دستیابی به خیر برای انسان و جامعه و فراخواندن به قدرت محدود عقل است؛ زیرا

۵۸. همان، ص ۴۴۵.

۵۹. همو، خارج السرب، ص ۱۹.

۶۰. همو، المقدس و الحریة، ص ۴۸.

۶۱. همان، ص ۲۴.

استاد جدعان معتقد است که عقل در برخی موارد «از جمله در انسان‌شناسی، باطن انسان و طبیعت انسان، درک محدودی دارد؛ یعنی در انسان‌شناسی، ترکیب انسانیت تنها براساس عقل نیست، بلکه همراه با عقل، قوای دیگر طبیعی نیز هستند که از این ترکیب جدا نمی‌شوند»^{۶۲} و به عملکرد غرب درباره نقد عقل و عقلانیت در مرحله پسامدرن استناد می‌کند.

حال آنکه این نقد در فرهنگ لبریز از عقلانیت همه‌جانبه مثل فرهنگ غرب انجام شده است و در فرهنگی مثل ما که تازه به اولیات روش عقلانی پرداخته است کارا نیست. آیا توقع داریم که دعوت به عقلانیتی که در اصل محدود و در اجرا ناقص است، واقعیت‌های اجتماعی فرهنگی و سیاسی را که عقلانیت در آن نقشی ناچیز دارد ارتقا دهد؟

استاد جدعان نسبت به برخی از بهره‌بردارانی‌های غلط که ممکن است از ایده اعتدال صورت گیرد، هشدار می‌دهد؛ مسائلی که موجب می‌شود قانون‌گذاری براساس منابع دیگری غیر از عقل انجام شود که دشمنان عقلانیت توجه ویژه به آن منابع دارند.

آیا برای روش متمایز عقلانی بهتر نیست به جای فرار به جلو و بحث درباره عقلانیت محض، عوامل نقصان در عقل‌گرایی عربی را در نظر بگیرد؟

استاد جدعان در بسیاری از تألیفاتش روشی خلاقانه را برای تحلیل‌ها و دستیابی به نتایج به کار می‌برد، ولی وقتی روش تأویلی او را با کتاب‌ها و نوشته‌هایش تطبیق می‌دهیم، درمی‌یابیم که او گاه در گفتار تحلیلی فراتراز مبانی لغوی و دلالتی خاص، بحث را به جایگاهی برای صحبت از دل‌مشغولی‌ها و آراء و افکارش تبدیل می‌کند. این مسئله تا حد زیادی در تحلیل‌گفتمان خلدونی و در منحصردانستن ابن خلدون به عنوان آینه‌ای که دل‌مشغولی‌ها و نگرانی‌های عصر حاضر را منعکس می‌کند، آشکار است. آنجا که می‌گوید:

در کار این خلدون می‌توان جلوه‌هایی از زندگی امروز را یافت که اصل خواسته‌های عصر ما و بحث‌های فرهنگی و مذهبی روزمره ماست و به طور مستقیم و غیرمستقیم در زندگی ما در فضای عربی و جهانی اثرگذار است.^{۶۳}

بنابراین او تمام اصول و ارزش‌های اصلاحی مورد پذیرشش را بیان کرد که عبارتند از: تعادل بین عقل و نقل، اصل نقد و اصلاح، ارزش‌گذاری شرایط براساس عقل و مصلحت، رد اقتصاد آزاد و جامعه مصرف‌گرا و نفی استبداد و دیکتاتوری خودکامه، نهی از زیرپا گذاشتن آزادی‌های اساسی و دعوت به لیبرالیسم مبتنی بر بازار آزاد و جلوگیری از ورود دولت در بازار و همان‌گونه که گفت، این همان

۶۲. فهمی جدعان، فی الخلاص النهائی، ص ۳۵۸.

۶۳. همو، المقدس و الحریة، ص ۳۵۵.

لیبرالیسم اجتماعی کنونی است که می‌توان به آن تأسی کرد و آن را به عنوان مبنایی برای اصلاح به کار بست.

ابن خلدون واقع‌گرای عاقل و در عین حال محافظه‌کاری است که اعتقاد دارد «عقلانیت در ذاتش نمی‌تواند همه احتیاجات انسان را برطرف کند» و ارزشی برای اخلاق و دین قائل است و «آن دورا به عنوان دو اصل ثابت برای قدرت دولت می‌داند» و بیان این جمله از سوی فهمی جدعان ما را از هر توضیحی بی‌نیاز می‌کند:

زمانی که صداهایمان را بلند می‌کنیم و با استبداد و سخت‌گیری دولت مخالفت می‌کنیم و ندای آزادی سر می‌دهیم و از اشتباه امروز و فسادی که دولت را فراگرفته است و ارزش‌های اخلاقی که امروز خوار شده است، حرف می‌زنیم و ما در طریق اصلاح خلدونی هستیم.

گاهی در نوشته‌های استاد جدعان روحیه روشنفکری که برای آزادی و دموکراسی و جامعه نوین متعادل مبارزه می‌کند، بر روحیه یک محقق که باید از موضوع بحث شروع کند و در مسیری که مجاز است حرکت کند غلبه می‌کند؛ روح محققانه‌ای که باعث می‌شود از فرافکنی دوری کند و بین تأویل و تفسیر^{۶۴} تناسب برقرار کند.

اختلاف نظر با این متفکر در برخی از موضوعات، چیزی از ارزش تألیفات او کم نمی‌کند؛ نوشته‌هایی که قانع‌کننده و در عین حال برانگیزاننده‌اند و باب جدل با آن را می‌گشایند و شما را در دل مشغولی‌هایش گرفتار می‌کنند و آه از نهادتان بلند می‌کنند. آشکار است که بعد از این مطالعات، مباحثات، پذیرش‌ها و پاسخ‌ها، شما دیگر آن آدم سابق نخواهید بود.

۶۴. این اصطلاح در معنایی که فلاسفه به کار می‌برند، بیان شده است. برای نمونه بنگرید به:

Paul Ricoeur, *Du texte à l'action, Essais d'hermeneutique 2*, Edition du Seuil, 1986, p. 151-196.

کتابنامه

منابع مکتوب منتشر شده

- اسلامی، حسن؛ «متافیزیک پیشرفت در جهان عرب»؛ هفت آسمان، دوره ۱۲، شماره ۴۸، زمستان ۸۹، ص ۱۵۱-۱۷۲.
- جدعان، فهمی؛ «ابوسلیمان منطقی سجستانی»؛ ترجمه اسماعیل سعادت؛ معارف، دوره چهارم، شماره ۱، فرودین و تیر ۱۳۶۶، ص ۲۳-۴۶.
- ؛ أسس التقدم عند مفكرى الاسلام فى العالم العربى الحديث؛ ط ۳، عمان، دار الشروق، ۱۹۸۸م.
- ؛ المحنة - بحث جدلية الدينى والسياسى فى الاسلام؛ عمان، دار الشروق، ط ۱، ۱۹۸۹م.
- ؛ المقدس و الحرية؛ بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۲۰۰۹م.
- ؛ تحرير الاسلام و رسائل زمن التحولات؛ ط ۱، بيروت، الشبكة العربية للأبحاث والنشر، ۲۰۱۴م.
- ؛ خارج السرب؛ بيروت، الشبكة العربية للأبحاث والنشر، ۲۰۱۰م.
- ؛ فى الخلاص النهائى - مقال فى وعود الاسلاميين والعلمانيين والليبراليين؛ عمان، دار الشروق، ط ۱، ۲۰۰۷م.
- ؛ نظرية التراث و دراسات عربية و اسلامية اخرى؛ عمان، دار الشروق، ۱۹۸۵م.
- ؛ «المحنة؛ سير جدالى ديندارى و سياستمدارى در اسلام»؛ مترجم محمدعلى عسگرى؛ شركت سهامى انتشار، ۱۳۹۸.
- ؛ الماضى فى الحاضر؛ المؤسسة العربية للدراسات والنشر، بيروت، ۱۹۹۷م.
- خداپرستى، فرج الله؛ فرهنگ معارف؛ چاپ دوم، تهران فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲.
- عليخانى، على اكبر و همكاران؛ اندیشه سياسى متفكران مسلمان؛ ج ۱۸، تهران، پژوهشكده مطالعات فرهنگى و اجتماعى، ۱۳۹۰.
- عميم، على؛ «دشواره ترقى روشنفكرى و قدرت، كارنامه فكرى دكتور فهمى جدعان در مصاحبه با او»؛ ترجمه مجيد مرادى؛ كتاب ماه دين، بهار ۱۳۸۶، ص ۴-۲۱.

Paul Ricoeur, Du texte a l'action, Essais d'hermeneutique, Edition 2 du Seuil, 1986.

منابع الكترونيك

گفتگو موسى برهومة با فهمى جدعان، منشور على الموقع التالى:

http://daharchives.alhayat.com/issue_archive/Wasat20magazine/1998/2/23

منابع منتشر نشده

- مراسل علمية مع الاستاذ جدعان در مجموعه «سرديات العقل و الاهواء».
- «الطريق الى الوجود - رؤية»؛ حزينان / يونيو (ژوئن) ۲۰۱۴م (مقاله‌اى كه براى مؤسسه الفكر العربى آماده شده و به زودى در پروژه فرهنگى اين مؤسسه منتشر خواهد شد).

